

هادی خرسندی:



اصغر آقا بیا، بهار آمد

اصغر آقا بیا، بهار آمد
تحتِ حفظِ دو پاسدار آمد

آمد از راه ماه فروردین
از همانجا روانه شد به اوین

عطر گل در کمیته شد محکوم
منتقل شد به جای نامعلوم

موقع بازجویی از بلبل
شد سؤال از روابطش با گل

قاضی دادگاه اسلامی
تبر و داس را شده حامی

گفت ما می‌زنیم از ریشه
گل فکر و گیاه اندیشه

کرده تمدید حاکم موذی
حکم حبس نسیم نوروزی

با صبا گفت قاضی عوضی
که به یاران به عاشقان نوزی

گفت بر ما بوز نسیم صبا
خفهمان کرد باد زیر عبا

گفت فصل بهار مغضوب است
دهه‌ی فجر خار و خس خوب است

گفت خصم شکوفه باید بود
دوستدار علوفه باید بود

گفت ما قاضیان شرع نبی
سال را پیش می‌رویم عقبی

گفت ما سال نو نمی‌خواهیم
پیشرفت از جلو نمی‌خواهیم

گفت هر ساله ما دعا کردیم
که دوباره به غار برگردیم

اصغر آقا بیا، بهار آمد
دشمنش از زمان غار آمد

اصغر آقا بیا، بهاران شد
دشت و صحرا شکوفه‌باران شد

دف بزن، نی بزن، برقص و بخوان
از کمر میوه‌های قر بتکان

تا بهاران خجسته‌تر باشد
کام جاننت پر از شکر باشد

ای بهار ای شکوه فروردین
وه چه خوب آمدی چه خوش گلدین